

## اعتبار امر قضاوت شده در فرجام

مجید غمامی<sup>۱</sup>

### چکیده:

در آیین دادرسی باید موانع رسیدگی را از ایرادات آیینی تمیز داد و بر هر کدام حکم شایسته خود را جاری کرد. اعتبار امر قضاوت شده که از قواعد اساسی دادرسی است در چهره بازدارنده خود در زمره موانع رسیدگی است و دادگاه در مقام رویارویی با آن باید از رسیدگی دوباره پرهیز کند. اعتنا به این مانع نیازی به استناد از طرف خواننده ندارد و به هر طریقی که دادگاه از وجود آن آگاه شود باید به آن بپردازد. از همین رو توجه دادگاه به این مانع نه تابع مهلت است و نه در مراحل گوناگون رسیدگی اعم از مرحله ماهوی و فرجامی تفاوتی دارد. در این مقاله رأی از شعبه هشتم دیوان عالی کشور که بدون توجه به این تفکیک صادر شده است، مورد نقد قرار می‌گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** اعتبار امر قضاوت شده - فرجام - دیوان عالی کشور - موانع رسیدگی - ایرادات آیینی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## رأی دیوان عالی کشور

«در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲۶ خانم ف.ش. به وکالت از طرف خانم ز. ب. به طرفیت آقای الف. س. دادخواستی به خواسته مطالبه مهریه به تعداد یکصد و چهارده سکه تمام بهار آزادی موضوع سند نکاحیه شماره..... دفتر ازدواج شماره.... اسلام آباد غرب مقوم به مبلغ پنجاه و یک میلیون ریال و تأمین خواسته و مطالبه هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل و خسارت تأخیر تأدیه تقدیم داشته که در شعبه سوم دادگاه عمومی خانواده کرمانشاه ثبت و مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و دادگاه بدواً به موجب رأی شماره ۷۷۸-۱۳۹۳/۷/۲۶ قرار تأمین خواسته صادر و با تعیین وقت از طرفین دعوت برسیدگی به عمل آورده است. اخطاریه خوانده در آدرس مقید در دادخواست به نامبرده ابلاغ قانونی شده است. خواهان طی لایحه تقدیمی وکیل خود را از وکالت عزل کرده و طی لایحه تقدیمی دیگری با تکرار مطالب مندرج در دادخواست صدور حکم به محکومیت خوانده را به پرداخت مهریه مورد مطالبه با احتساب کلیه خسارات قانونی کرده است در جلسه دادرسی مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۲ هیچ‌یک از طرفین دعوا حضور نیافته‌اند و از ناحیه خوانده هم لایحه دفاعیه‌ای واصل نشده است دادگاه سرانجام با اعلام ختم رسیدگی به موجب دادنامه غیابی شماره ۱۰۱۳-۱۳۹۳/۹/۱۲ پس از ذکر مقدمه‌ای از چگونگی اقامه دعوا با توجه به رونوشت سند نکاحیه پیوست پرونده و عدم دفاع از ناحیه خوانده، خواسته خواهان را وارد تشخیص داده و به استناد مواد قانونی منعکس در آن خوانده را به پرداخت ۱۱۴ قطعه سکه تمام بهار آزادی طرح جدید و پرداخت هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل به مبلغ معین در حق خواهان محکوم کرده است. پس از ابلاغ رأی صادر شده آقایان ی. م. و ح. م. گ. وکلای پایه یک دادگستری بوکالت از خوانده محکوم علیه نسبت به آن واخواهی کرده و در دادخواست واخواهی اعلام کرده‌اند که حسب اظهار موکل دلائل متقن دال بر پرداخت مهر وجود دارد که در جلسه دادگاه ابراز می‌شود. دادگاه در وقت فوق العاده با اعلام ختم رسیدگی به موجب دادنامه شماره ۱۱۲۴-۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۳

## اعتبار امر قضاوت شده در فرجام / ۳۹۱

مجید غمامی

با اعلام این که واخواه دلیلی که حاکی از برائت ذمه وی باشد ارائه نکرده است لذا با رد واخواهی وخواه دادنامه واخواسته را تأیید کرده است. دادنامه اخیرالذکر در تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۸ به وکلای واخواه ابلاغ می شود و نامبردگان در تاریخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ پس از انقضای مهلت تجدیدنظر و در مهلت فرجامی با تقدیم دادخواست و لایحه فرجامی نسبت به آن فرجامخواهی کرده اند که نسخه ثانی دادخواست و ضمائم آن به فرجامخوانده ابلاغ شده ولی لایحه جوابیه ای از ایشان در پرونده مشهود نیست. پرونده پس از وصول به دیوان عالی کشور جهت رسیدگی به این شعبه ارجاع شده است. لایحه فرجامی به هنگام شور قرائت می شود. هیأت شعبه در تاریخ بالا تشکیل شده و پس از قرائت گزارش ممیز و ملاحظه اوراق پرونده مشاوره کرده و چنین رأی می دهد:

شماره دادنامه قطعی: ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۶۸۰۰۰۸۴

تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۴/۲/۱۴

### رأی شعبه دیوان عالی کشور

[آقایان ی. م. و ح. م. گ. بوکالت از طرف آقای الف. س. نسبت به دادنامه شماره ۱۱۲۴-۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۳ شعبه سوم دادگاه عمومی خانواده کرمانشاه که در مرحله واخواهی بر تأیید دادنامه غیابی شماره ۱۰۱۳-۱۳۹۳/۹/۱۲ صادره از همان دادگاه متضمن محکومیت فرجامخواه به پرداخت مهریه ما فی القبالة به تعداد یکصد و چهارده سکه تمام بهار آزادی طرح جدید و پرداخت خسارات دادرسی در حق فرجام خوانده انشاء گردیده با لحاظ بند یک شق الف ماده ۳۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی پس از انقضای مهلت تجدیدنظر و در مهلت فرجامی فرجامخواهی نموده اند و در لایحه فرجامی اعلام کرده اند که فرجام خوانده در سال ۱۳۸۸ طی دادخواست تقدیمی به شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان اسلام آباد غرب مهریه ما فی القبالة خود را مطالبه نموده که حسب دادنامه شماره ۱۶۸-۸۸ فرجامخواه محکوم به پرداخت مهریه در حق فرجامخوانده گردیده است و دادنامه صادره پس از طی تشریفات قانونی در شعبه سوم

دادگاه تجدیدنظر استان کرمانشاه طی دادنامه شماره ۳۲۱-۸۹ تأیید و قطعی گردیده است و چون دعوی سابق و دعوی فعلی فرجام خوانده دارای وحدت اصحاب دعوی و وحدت موضوع و وحدت سبب بوده و طبق بند ۶ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی دعوی مجدد فرجام خوانده از اعتبار امر محکوم‌بها برخوردار می‌باشد لذا ضمن ایراد به حاکمیت امر مختوم صدور حکم شایسته را تقاضا نموده‌اند که با توجه به جامع اوراق پرونده ایراد و اعتراض وکلای فرجام خواه در خصوص مورد موثر در مقام نبوده و قابلیت توجه و ترتیب اثر را ندارد زیرا طبق ماده ۸۷ قانون آیین دادرسی مدنی خواننده دعوی باید در قبال دعوی خواهان ایرادات مصرحه در ماده ۸۴ قانون مذکور را تا پایان اولین جلسه دادرسی اقامه کند و فرجامخواه در مرحله بدوی و حتی در مرحله واخواهی که از طرف ایشان نسبت به رأی غیابی صادره واخواهی به عمل آمده نسبت به دعوی مطروحه از ناحیه فرجامخوانده به اعتبار حاکمیت امر محکوم بها هیچ ایرادی به عمل نیاورده است و طرح این ایراد در مرحله فرجامی بلحاظ این که خارج از موقعیت قانونی محسوب بوده قابلیت توجه و ترتیب اثر را نداشته و موثر در مقام نخواهد بود بنا به مراتب اشعاری از آنجائیکه دادنامه فرجام خواسته با توجه به مندرجات قباله نکاحیه فیما بین متداعیین و ثبوت اشتغال ذمه فرجامخواه و عدم ارائه ادله اثباتی بر براءت ذمه ایشان و مآلاً اثبات حقانیت فرجامخوانده در مطالبه مهریه ما فی القبالة موجهاً و منطبق بر موازین قانونی اصدار یافته و ایراد و اشکال موثر در تخدیش بر دادنامه مرقوم مترتب نبوده و اعتراضات وکلای فرجامخواه در حدی نیست که خدشه‌ای بر دادنامه مزبور وارد و موجبات نقض آنرا فراهم سازد فلذا ضمن رد فرجامخواهی وکلای فرجامخواه مستنداً بماده ۳۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی دادنامه فرجام‌خواسته ابرام می‌گردد».

## مقدمه

اعتبار امر قضاوت شده<sup>۱</sup> از بنیانهای آیین دادرسی است و آثار مهمی دارد. یکی از آثار آن جنبه بازدارندگی از رسیدگی دوباره به دعوی مشابه است. رسیدگی به هر دعوا روزی به پایان می‌رسد و دیگر تجدید مطلع در دعوی پایان یافته روا نیست. به همین دلیل گفته می‌شود که پس از پایان گرفتن رسیدگی، رأی که در انتها صادر می‌شود از اعتباری برخوردار است که مانع طرح دوباره همان دعواست. درباره مبنای حقوقی این اعتبار گفتگو بسیار است و شادروان دکتر کاتوزیان در کتاب «اعتبار امر قضاوت شده» به برخی از نظریه‌های مهم پرداخته است و نیازی به تکرار آن در این جا نیست. بویژه آن که نوشتاری که در مقام نقد و تحلیل رویه قضایی تدارک دیده می‌شود جای کند و کاو عمیق در بنیانهای نظری پدیده‌های حقوقی نیست و باید در این جا فقط از میوه‌های آن مباحث و گفتگوها بهره جست. مشهور است که در مقام بیان ضرورت پای بندی به چنین قاعده‌ای به این حکمت حقوقی استناد می‌کنند که «نفع دولت در آن است که دعوا روزی خاتمه یابد»<sup>۲</sup>. پس بهتر آن است که بعد از گفتگوها و مجادلات فلسفی بپذیریم که «امری که قضاوت شده به منزله حقیقتی اثبات شده است»<sup>۳</sup>. بدین سان، هر گاه در دعوایی رأی قطعی صادر شود نتیجه رأی به مثابه واقعیتی بیرونی انگاشته می‌شود و محکوم علیه ناراضی از نتیجه نمی‌تواند با طرح دوباره همان دعوا واقعیت خارجی را انکار کند. پس دعوای مجدد بین همان اشخاص و با همان سبب و موضوع شنیده نمی‌شود.

ماده ۴۸۰ کد آیین دادرسی مدنی فرانسه در مقام بیان قاعده اعلام می‌دارد: «رأیی که در منطوق خود تمام یا بخشی از اصل [موضوع دعوا] را حل و فصل می‌کند، یا رأیی که در خصوص ایراد آیین دادرسی، عدم پذیرش یا هر امر طاری دیگری صادر می‌شود، از لحظه صدور نسبت به اختلافی که حل و فصل کرده است، دارای اعتبار امر قضاوت شده

1. Res Judicata
2. interest reipublicae ut sit finis litium
3. res judicata pro veritate accipitur

خواهد بود...»<sup>۱</sup>. البته اهمیت اعتبار امر قضاوت شده چندان است که در کد مدنی فرانسه در بخش دلایل اثبات در ماده ۱۳۵۵ نیز درباره آن مقرر شده است: «اعتبار امر قضاوت شده فقط نسبت به موضوعی که مورد حکم قرار گرفته اعمال خواهد شد. بنابراین باید موضوع هر دو دعوا یکی باشد؛ سبب هر دو دعوا یکی باشد؛ هر دو دعوا بین همان طرفین اقامه شده باشد و سمت آنها نیز در هر دو دعوا یکسان باشد»<sup>۲</sup>.

اما شرطهای سه گانه‌ای که ماده ۱۳۵۵ کد مدنی فرانسه مقرر می‌دارد و در میان حقوق دانان هم مشهور است نباید به نحو تعبدی تفسیر شود. این سه شرط برای آن است که «امر قضاوت شده» دوباره در معرض قضاوت قرار نگیرد: اعتبار امر قضاوت شده مانع رسیدگی به «دعوی سابق» نیست بلکه مانع رسیدگی به «موضوع سابق» است. اعتبار امر قضاوت شده مانع رسیدگی به امری است که قبلاً در دادگاه صالح رسیدگی شده است. پس دادرس باید در رویارویی با موضوع دعوا احساس کند که این موضوع سابقاً رسیدگی شده است و نیازی به رسیدگی دوباره نیست. اتحادهای سه‌گانه به طور معمول نشانه سابقه رسیدگی به موضوع است ولی دلالت آنها طریقی است. تا این جا همه چیز واضح و روشن است و ذهن ساده پسند در سایه درخت انتزاع می‌آرامد. اما در مواجهه با برخی دعاوی باد تردید وزیدن می‌گیرد و اقناع حاصل از غوطه‌ور شدن در عالم انتزاع به اضطراب می‌افتد؛ برای مثال در دعوی خسارت کارفرما علیه پیمانکار، خواننده در مقام دفاع مدعی است که جانمایی اشتباه در نقشه کارفرما موجب بروز خطا در ادامه گار شده است. دادگاه با رسیدگی به ماهیت دعوا، دفاع را می‌پذیرد و حکم به بطلان دعوا می‌دهد. کارفرمای لجوج از اختیار قراردادی استفاده می‌کند و با فسخ پیمانکار را بیرون می‌کند و با پیمانی جدید ادامه کار را به پیمانکاری دیگر می‌سپارد. پیمانکار جدید هم در ادامه کار با همان مشکل مواجه می‌شود و کار معوق می‌ماند. کارفرما این بار دعوایی

۱. حسن محسنی، آیین دادرسی مدنی فرانسه، جلد ۱، تهران شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱، ص ۲۱۸-۲۱۹

۲. منصوره حسن‌زاده، کد مدنی فرانسه، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۴۰۰، ص ۱۲۳

## اعتبار امر قضاوت شده در فرجام / ۳۹۵

مجید غمامی

مشابه با دعوای قبلی علیه پیمانکار جدید مطرح می‌کند و خواننده دعوای جدید همان دفاع پیمانکار پیشین را مطرح می‌سازد. در این فرض، نه اصحاب دو دعوای یکسانند نه سبب آن دو. اما موضوع یکسان است. شهرت شروط سه‌گانه می‌گوید که اعتبار امر قضاوت شده رأی پیشین در دعوای جدید قابل استناد نیست ولی منطق درونی قاعده که اجتناب از صدور آراء متعارض است، دادرس را از رسیدگی دوباره به «موضوع سابق» منع می‌کند. نظریه‌های جدید درباره اعتبار امر قضاوت شده به جای اتحادهای سه‌گانه از ارتباط دو دعوای سخن می‌گوید و تأکید اصلی را بر اتحاد «موضوع» می‌نهد.<sup>۱</sup>

باری، قانون‌گذار ایران موضوعی با این پایه از اهمیت را از ابتدای تصویب قانون آیین دادرسی مدنی در سال ۱۳۱۸ و نیز قانون سال ۱۳۷۹ در بخش مربوط به ایرادات آورده است و اعتبار امر قضاوت شده را تا حد یک ایراد و دفاع آیینی فروکاسته است. همین موضوع موجب انحراف از اجرای قاعده در رأی شعبه ۸ دیوان کشور شده است که در ادامه به نقد آن می‌پردازم.

### نقد رأی دیوان

چنان که گفته شد اعتبار امر قضاوت شده قاعده‌ای ماهوی در حقوق دادرسی است.<sup>۲</sup> دادرس باید در هنگام دادرسی به این قاعده احترام گذارد و مراقبت کند تا به موضوعی که قبلاً رسیدگی شده است، دوباره نپردازد که نظم عمومی این دوباره کاری را تاب نمی‌آورد. قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹ در مبحث سوم از فصل سوم ذیل ماده ۸۴ ایرادات و موانع رسیدگی را برشمرده است و در بند ۶ این ماده یکی از ایرادات و موانع رسیدگی آن است که: «دعوای طرح شده سابقاً بین همان اشخاص یا اشخاصی که اصحاب دعوای قائم مقام آنان هستند، رسیدگی شده، نسبت به آن

1. Kevin M. Clermont, "Res Judicata as Requisite for Justice," 68 Rutgers University Law Review (2016)

۲. ناصر کاتوزیان، اعتبار امر قضاوت شده، نشر میزان، تهران ۱۳۸۳، ش ۱۳

حکم قطعی صادر شده باشد». در ماده ۸۷ نیز به منزله قاعده کلی در بیان موعد طرح ایراد مقرر شده است: «ایرادات و اعتراضات باید تا پایان اولین جلسه دادرسی به عمل آید مگر این که سبب ایراد متعاقباً حادث شود».

ایراد اساسی مواد ۸۴ به بعد قانون آن است که به رغم عنوان مبحث سوم از فصل سوم قانون که «ایرادات و مواعع رسیدگی» است، هیچ تفکیکی بین ایرادات دادرسی و مواعع رسیدگی نگذاشته و بدون به دست دادن معیاری برای تمیز مانع رسیدگی از ایراد آیینی همه را پشت سر هم در ۱۱ بند ردیف کرده است و سپس در ماده ۸۷ با یک حکم کلی موعد طرح همه را اولین جلسه دادرسی قرار داده است. ظاهر این نحوه قانون گذاری بسیار فریبنده است<sup>۱</sup> و شعبه ۸ دیوان عالی کشور نیز در عمل به همین ظاهر به خطا رفته است. گویا در نظر قانون گذار ما تمامی موانعی که بر سر راه آغاز دادرسی وجود دارد، اعم از آن که مانعی مربوط به ماهیت عمل حقوقی طرح دعوا باشد یا آن که ایرادی باشد که بر صورت و شکل طرح دعوا وارد است، باید از طرف خواننده دعوا مطرح شود و دادرسی تکلیفی در احراز مانع و ترتیب اثر به آن ندارد. اگر قانون گذار سال ۱۳۷۹ با دقت بیشتری به نسخه قدیمی قانونی که مشق خود را از روی آن می نوشت می نگریست، نیک در می یافت که قانون گذار سلف در بیان ایرادات و مواعع رسیدگی در قانون ۱۳۱۸ بین ایرادات و مواعع رسیدگی تفکیکی مهم نهاده است. در آن قانون فصل هشتم که به امور اتفاقی یا همان طواری دادرسی می پرداخت، مبحث اول به ایرادات اختصاص داشت. این مبحث با دو ماده مهم آغاز می شد: «ماده ۱۹۷ - در موارد زیر مدعی علیه می تواند ضمن پاسخ از ماهیت دعوی ایراد کند. ۱- وقتی که دادگاه صلاحیت ذاتی نداشته باشد. صلاحیت دادگاه شهرستان نسبت به دادگاه استان و بالعکس و دادگاههای دادگستری

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: هادی ملک تبار فیروزجایی، قواعد عمومی ایراد آیین دادرسی، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۸، حسن محسنی، نقص ماهوی و شکلی در دادرسی مدنی، پژوهش حقوق خصوصی، ش ۶، ۱۳۹۳. همچنین، حسن محسنی، نقص اعمال آیین دادرسی در حقوق فرانسه، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۲،



## اعتبار امر قضاوت شده در فرجام / ۳۹۷

مجید غمامی

نسبت به مراجع غیر دادگستری صلاحیت ذاتی است.

۲- در صورتی که دعوی از جهت صلاحیت نسبی راجع به دادگاه دیگری است.

۳- در موردی که دعوی بین همان اشخاص در همان دادگاه یا دادگاه دیگری که از حیث درجه با آن دادگاه مساوی است قبلاً اقامه شده و تحت رسیدگی است و یا اگر همان دعوی نیست دعوایی است که با ادعای مدعی ارتباط کامل دارد.

۴- در صورتی که دعوی مشمول مرور زمان باشد.

ماده ۱۹۸ - در موارد زیر مدعی علیه می تواند بدون آن که پاسخ مدعی را بدهد ایراد کند:

۱- در صورتی که مدعی اهلیت قانونی برای اقامه دعوی نداشته باشد از قبیل صغیر و غیر رشید و مجنون یا کسی که ممنوع از تصرف در اموال خود در نتیجه حکم ورشکستگی باشد.

۲- وقتی که ادعاء متوجه شخص مدعی علیه نباشد.

۳- هر گاه کسی به عنوان نمایندگی اقامه دعوی کرده از قبیل وکالت یا ولایت یا قیمومیت و سمت او محرز نباشد.

۴- وقتی که دعوی طرح شده سابقاً بین همان اشخاص یا اشخاصی که اصحاب دعوی قائم مقام آنها هستند رسیدگی و نسبت به آن حکم قطعی صادر شده باشد».

باری، از صدر مواد ۱۹۷ و ۱۹۸ می توان این گونه برداشت کرد که موارد مندرج در ماده ۱۹۷ ایراداتی است که وجود آنها مانع رسیدگی به دعوا نیست یعنی رسیدگی را متوقف نمی کند زیرا می توان همراه با دفاع در ماهیت آنها را طرح کرد ولی موارد مندرج در ماده ۱۹۸ در زمره موانع رسیدگی است با دفاع در ماهیت جمع نمی شود. ماده ۲۰۲ قانون نیز اثر این تفکیک را بیان می داشت: «در مورد فقره ۱ ماده ۱۹۷ و در کلیه موارد مذکور در ماده ۱۹۸ قطع نظر از ایراد اصحاب دعوی دادگاه باید از رسیدگی امتناع کند و در مورد فقره ۲ از ماده ۱۹۷ در صورتی دادگاه از رسیدگی امتناع می کند که طرفین به رسیدگی

آن دادگاه ترازی نکرده باشند».

از دیدگاه قانون ۱۳۱۸ اعتبار امر قضاوت شده در زمره موانع رسیدگی بود و نیازی به طرح از جانب اصحاب دعوا نداشت و اگر دادگاه خود درمی‌یافت که دعوی که نزد او مطرح است قبلاً رسیدگی شده است می‌بایست از رسیدگی دوباره امتناع کند. همچنین از آن‌جا که موانع رسیدگی در زمره علل سالبه اعمال حق دادخواهی است، به حسن اعمال قانون و جریان صحیح عدالت مربوط می‌شد و در ذیل نظارت فرجامی دیوان عالی کشور قرار می‌گرفت (ماده ۵۶۶ قانون ۱۳۱۸).

در حقوق فرانسه نیز دیوان کشور در آراء متعددی به اهمیت اعتبار امر قضاوت شده و ارتباط وثیق آن به نظم عمومی تأکید کرده و بی‌اعتنایی به آن را موجب نقض فرجامی دانسته است.<sup>۱</sup> در پاره‌ای از این آراء به این نکته تصریح شده است که دادگاه در صورت آگاهی از رأیی که قبلاً در دعوی مشابه صادر شده است و اعتبار امر قضاوت شده یافته است باید رأساً از رسیدگی خودداری کند حتی اگر از طرف اصحاب دعوا ایراد نشده باشد.<sup>۲</sup> در قواعد اروپایی آیین دادرسی مدنی که در سال ۲۰۲۱ به جامعه حقوقی عرضه شده است نیز ماده ۱۵۲ مقرر می‌دارد که دادگاه موظف است رأساً به اعتبار امر قضاوت شده توجه کند و این امر نیازی به طرح ایراد از طرفهای دعوا ندارد.<sup>۳</sup>

1. 2e Civ., 17 septembre 2020, n° 19-17.673, (P), 1re Civ., 2 septembre 2020, n° 19-13.483, (P): [https://www.courdecassation.fr/publications/bulletin-des-arrets-des-chambres-civiles/numero-9-septembre-2020/chose-jugee#chose\\_jugee](https://www.courdecassation.fr/publications/bulletin-des-arrets-des-chambres-civiles/numero-9-septembre-2020/chose-jugee#chose_jugee)

2. Civ. 2e, 14 janv. 2021, FS-P+I, n° 19-17.758: "Le juge est tenu de relever d'office la fin de non-recevoir tirée de l'autorité de la chose jugée attachée à une décision précédemment rendue dans la même instance. Il en découle que le tribunal de grande instance, saisi d'une exception de procédure déjà tranchée par le juge de la mise en état, est tenu de relever d'office la fin de non-recevoir tirée de l'autorité de la chose jugée attachée à l'ordonnance de ce juge. Dès lors que la cour d'appel connaît, par l'effet dévolutif de l'appel, de l'affaire soumise à la juridiction du premier degré, elle est elle-même tenue de relever d'office cette fin de non-recevoir tirée de l'autorité de la chose jugée, après l'avoir soumise à la contradiction". <https://www.dalloz-actualite.fr/flash/autorite-de-chose-jugee-et-office-du-juge>

3. ELI – UNIDROIT Model European Rules of Civil Procedure, p 297

## اعتبار امر قضاوت شده در فرجام / ۳۹۹

مجید غمامی

اکنون می‌توان دریافت که اگر شعبه ۸ دیوان عالی کشور به سابقه قانون‌گذاری در ایران مراجعه می‌کرد، می‌بایست راهی متفاوت برمی‌گزید و رأی شعبه سوم دادگاه خانواده کرمانشاه را که بدون توجه به اعتبار امر قضاوت شده رأی شعبه سوم دادگاه تجدیدنظر کرمانشاه صادر شده است، نقض فرجامی می‌کرد.



Rule 152: Court assessment of res judicata of its own motion (ex officio): The court shall take res judicata into account of its own motion.

<https://www.unidroit.org/english/principles/civilprocedure/eli-unidroit-rules/200925-eli-unidroit-rules-e.pdf>

### نتیجه:

دیوان عالی کشور در رسیدگی فرجامی نقشی بی‌بدیل در نظارت بر حسن اجرای قانون و تأمین جریان صحیح عدالت ایفا می‌کند. به همین اعتبار انتظار می‌رود که در رسیدگی خود از تمامی روشهای تحقیق در علم حقوق از جمله تفسیر قانون در پرتو تحولات تاریخی و توجه به حقوق تطبیقی بهره جوید. در این رأی اگر سابقه قانون‌گذاری درباره موانع رسیدگی مورد توجه قرار می‌گرفت و به مبانی قانون آیین دادرسی مدنی در اعتبار امر قضاوت شده عطف عنان می‌شد، رأی قابل تقدیر در زمینه تمیز میان موانع رسیدگی و ایرادات دادرسی صادر می‌شد. اعتبار امر قضاوت شده تا حدی که به بازدارندگی از رسیدگی به دعاوی یکسان مربوط است، در زمره موانع رسیدگی است و دادگاه می‌تواند و بلکه باید در تمامی مراحل دادرسی رأساً به آن توجه کند بی‌آن که اطراف دعوا به آن استناد کنند. پس به حکم منطق توجه به این مانع رسیدگی مشمول مهلت مندرج در ماده ۸۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب قرار نمی‌گیرد و استدلال شعبه هشتم دیوان عالی در عدم پذیرش فرجام‌خواهی به استناد گذشتن موعد طرح ایراد پذیرفتنی نیست. نتیجه رأی دیوان آن است که محکوم‌له دو رأی در موضوعی یکسان می‌تواند دو بار مفاد رأی را به اجرا گذارد و هیچ مانع قانونی برای اجرای دوباره رأی که در گذشته صادر شده است و بار دیگر مورد حکم قرار گرفته است، وجود ندارد.

قانون‌گذار هم در این میان می‌باید دست همت از آستین اصلاح بیرون آورد و قانون آیین دادرسی مدنی را به گونه‌ای منقح و با استفاده از تجربه یکصد ساله قانون‌گذاری در این زمینه به گونه‌ای شایسته اصلاح کند تا نظریه عمومی ایرادات و موانع رسیدگی در جای درست خود بنشیند. در این اصلاح هم باید ایرادات رسیدگی به نحوی منطقی تقسیم‌بندی شود تا بین ایرادات مربوط به شرایط اعمال حق دادخواهی و ایرادات ناظر به شکل طرح دعوا و ضمانت اجرای هر یک تمیز نهاده شود و هم موانع رسیدگی و ارتباط آن با نظم عمومی تبیین شود. توجه به مواد ۱۹۷ به بعد قانون سال ۱۳۱۸ و فصل دو از باب پنجم کد آیین دادرسی ۱۹۷۵ فرانسه آغازی مناسب برای اصلاح است.

منابع:

الف- منابع فارسی

۱. حسن محسنی، نقص اعمال آیین دادرسی در حقوق فرانسه، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۲، ش ۶، ۱۳۹۴
۲. حسن محسنی، نقص ماهوی و شکلی در دادرسی مدنی، پژوهش حقوق خصوصی، ش ۶، ۱۳۹۳.
۳. منصوره حسن‌زاده، کد مدنی فرانسه، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۴۰۰
۴. ناصر کاتوزیان، اعتبار امر قضاوت شده، نشر میزان، چاپ چهارم، تهران ۱۳۸۳
۵. هادی ملک تبار فیروزجایی، قواعد عمومی ایراد آیین دادرسی، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۸.

ب- انگلیسی و فرانسوی

6. Kevin M. Clermont, "Res Judicata as Requisite for Justice," 68 Rutgers University Law Review (2016)
7. [https://www.courdecassation.fr/publications/bulletin-des-arrets-des-chambres-civiles/numero-9-septembre-2020/chose-jugee#chose\\_jugee](https://www.courdecassation.fr/publications/bulletin-des-arrets-des-chambres-civiles/numero-9-septembre-2020/chose-jugee#chose_jugee)
8. <https://www.dalloz-actualite.fr/flash/autorite-de-chose-jugee-et-office-du-juge>
9. <https://www.unidroit.org/english/principles/civilprocedure/eli-unidroit-rules/200925-eli-unidroit-rules-e.pdf>

## The Validity of Res Judicata in the Appellate Stage

Majid Ghamami<sup>1</sup>

### **Abstract:**

In procedural law, one should distinguish the barriers to the process of proceedings from procedural objections and apply a suitable ruling on each of them. The validity of res judicata which is one of the basic rules of proceedings is among barriers, in its deterrent aspect, and the court should refrain from re-litigation when encountering it. Taking this barrier into account does not need to be relied upon by a defendant and in any way the court becomes aware of its existence, it must deal with it. Therefore, the court's attention to this barrier is not subject to a deadline, nor does it differ in various stages of dealing with merits or appeal. In this article, a judgment rendered without regard to this distinction by Branch 8 of the Supreme Court, is criticized.

**KeyWords:** *validity of res judicata, appeal, the Iranian Supreme Court, barriers to proceedings, procedural objections.*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

1. Associate Professor of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran. mghamami@ut.ac.ir